



## فرهنگسرای «برکه گرد» بندرعباس به بهره‌برداری رسید

طی آیینی با حضور معاون امور عمرانی وزارت کشور، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری هرمزگان، شهردار بندرعباس، رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی ورزشی شهرداری بندرعباس و دیگر مدیران شهری فرهنگسرای برکه گرد بندرعباس به بهره‌برداری رسید. رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی ورزشی شهرداری بندرعباس بیان کرد: فرهنگسراها به عنوان یکی از محل‌های تأثیرگذار فرهنگی می‌توانند به ارتقای سطح فرهنگی محلات کمک شایانی کنند.الباس محسنی افزود: یکی از رسالت‌های شهرداری بندرعباس توسعه برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی در دل محلات بندرعباس بوده است و با ایجاد فرهنگسراها و ساخت بسترها به دنبال شکوفایی و شناسایی استعدادها در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی هستیم. وی با تقدیر از تلاش‌های مدیر منطقه دو شهرداری بندرعباس در ساخت این مجموعه فرهنگی، تصریح کرد: سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری بندرعباس توسعه برنامه‌های فرهنگی و هنری در دل محلات بندرعباس را همیشه مد نظر داشته است و فعالیت‌های این سازمان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی نیز با توازن دیده شده است.

فیلمساز در لایه لای فیلم نشان می دهد در هر دوره ای چگونه ساواک و غیره وارد خانه منیر خانم می شدند اما نشان نمی دهد در برهه ی کنونی چگونه خانه را تفتیش می کنند فیلمساز فقط با یک ضربدر زدن روی درب خانه می خواهد همه چیز را زیر سوال ببرد

# نگاهی به فیلم آشغال های دوست داشتنی پس از چندین سال توقیف

♦صبح ساحل // صدف محمودی:

**فیلم آشغال های دوست داشتنی پس از هفت سال توقیف این روز ها در سینماهای ایران در حال اکران است. این فیلم به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی محسن امیریوسفی محصول سال ۱۳۹۱ است.**

**بازیگران**

شیرین یزدان بخش، حبیب رضایی، هدیه تهرانی، نگار جواهریان، اکبر عبدی، صابر ابر، شهاب حسینی

**خلاصه‌فیلم**

مادری یک شب فرصت دارد مشکل بزرگی را به کمک خانواده اش حل کند.

همین که فیلم شش سال توقیف شده است و بازیگرانی همچون شهاب حسینی و هدیه تهرانی در آن ایفای نقش می کنند توجه مخاطبان را به خود جلب کرده است اما در این میان منتقدان و مردم نظرات بسیار متفاوتی در خصوص این فیلم داشته اند که برخی از آن ها را در اینجا مرور می کنیم.

لازم به ذکر است که اکران این فیلم تا امروز شنبه ۴ اسفند ماه در سینمای ستاره جنوب بندرعباس ادامه دارد.

افشین علیار درباره این فیلم نوشت: فیلم آشغال های دوست داشتنی بلاخره اکران شد، اما توقیف کردن این فیلم توسط مسئولین و نمایش آن بعد از هفت سال این فیلم را نخ نما و پوسیده تر کرده است، حالا بعد از دیدن آشغال های دوست داشتنی به این فکر می کنیم که چرا این فیلم شش با هفت سال توقیف ماند؟ موضوع فیلم به شدت کلیشه ای ست و محسن امیریوسفی با ساخت این فیلم تنها قصد داشته فضای ملتهب روزهای بحرانی سال هشتاد و هشت را به تصویر بکشد که البته نتوانسته؛

نکته حائز اهمیت در فیلم آشغال های دوست داشتنی ایده و نگرش است و چگونه گسترش دادن آن؛ در شرایط کنونی این فیلم نمی تواند برای مخاطب اثر مهمی باشد، چرا که به نظر می رسد تاریخ انقضای آشغال های دوست داشتنی گذشته و مخاطب نمی تواند با این فیلم شعارزده ارتباط برقرار کند، فیلمساز تاکید دارد که فیلمش سیاسی ست اما با سیاست بازی کرده، عنصر اصلی فیلم حوادث و بحران کشورست اما این بحران در قالب کوچکی شکل گرفته، محوریت آشغال های دوست داشتنی دیالوگ و نماد است فیلمساز برای ایجاد یک چالش از تیپ استفاده کرده و نکته مهم اینجااست که فیلمساز فیلمش را با دنیای فانتزی جلو می برد کارکرد فانتزی در ایجاد فرم باعث شده ایدئولوژی که بخش مهم این فیلم است جدی گرفته نشود، بخش فریمیک فیلم نمی تواند مهم بودن محتوا را پر رنگ کند، داستان از زوایه ی دید یک پیرزن تنها(نماد ایران است؟)

روایت می شود منیر خانم سال های سختی را گذرانده و حالا شوهرش سال ها پیش بر اثر سکنه فوت کرده و پسرش امیر در جنگ شهید شده و پسر دیگرش رامین برای ادامه تحصیل به فرنگ رفته منصور برادر منیر که یک چپ گرای انقلابی بوده کشته شده ، حالا ما چهار

تیپ در قاب عکس داریم که با هم گفتگو می کنند و منیر خانم میاندار این گفتگو است، این چهار تیپ هر کدام یک نماد هستند نماد هایی از چند طبقه فرهنگی و اجتماعی که هرگز تبدیل به یک کاراکتر مستقل نمی شوند، به طور مثال مشخص است اتاق رامین یا امیر باید چه شکلی باشد این نگرش از قبل در ذهن مخاطب بوجود می آید که در اتاق امیر باید عکس رهبر باشد و پرچم یا حسین یا کتاب داستان راستان مطهری یا اینکه در اتاق رامین حتما باید نوارهای خارجی پیدا شود یا اینکه مجله اطلاعات بانوان به خاطر اینکه شاید رامین چون خارج رفته انحراف جنسی داشته! از طرفی دیگر پدر خانواده که مکه هم رفته یک ظرف جیبی شراب هم در خانه دارد، فیلمساز می خواهد از این طریق معرفی شخصیت کند اما بیشتر معرفی ایدئولوژی می کند آن هم به بدترین شکل ممکن ، در سکانسی دیگر پدر خطاب به امیر می گوید تو از اولش هم پاک بودی ! این یک نگرش دمدستی از یک رزمنده است، فیلمساز جرات نمی کند کمی نگاهش را گسترش بدهد و چهار شخصیت بسازد بحث و جدل میان امیر و منصور یک بازی بچه گانه سیاسی ست یک بحث بی علت و معلولی که فقط نشان می دهد فیلمساز سعی داشته پشت نگاه روشنفرانه اش مخفی شود، حرف

های منصور نمی تواند به یک دیدگاه سیاسی تبدیل شود زیرا که نگرش فیلمساز در بوجود آوری یک موقعیت جالبی فاجعه انگیز است از طرفی دیگر امیر هم به عنوان یک جوان حزب الهی و رزمنده نمی تواند متقاعد کننده باشد فیلمساز فقط او را ولایت مدار نشان می دهد و کمی هم بی سواد چون نمی تواند با منصور وارد بحث شود امیر با سلاحش منصور را هدف می گیرد تا چیزی درباره رهبری نشوند، به هیچ وجه نمی شود آرمان و ایدئولوژی منصور و امیر را درک کنیم چرا که در پس دیالوگ ها نه آرمانی دیده می شود و نه ایدئولوژی ! نکته ای که در فیلم خودنمایی می کند فقط بغض فیلمساز از یک بحران است، که ندانسته چگونه و از چه راهی بیانش کند، امیر یوسفی دنیای فیلمش را فانتزی کرده است که از واقعیت فرار کند ، با شبکه های ماهواره ای شوخی کرده است که بگوید طرفدار هیچ فرقه و آئینی نیست اما جرات نزدیک شدن به واقعیت ر نداشتنه، امیریوسفی از روزهای بحرانی سال هشتاد و هشت فقط توانسته مخفی شدن سبزه را در حیاط خانه منیر خانم نشان بدهد که این منفعل بودن فیلمساز را نشان می دهد اینکه فیلمساز از آن روزها فقط سطل آشغال آتش گرفته یا رفلکس آتش در شیشه ی مغازه نشان می دهد به شدت شعاری ست، در این

های منصور نمی تواند به یک دیدگاه سیاسی تبدیل شود زیرا که نگرش فیلمساز در بوجود آوری یک موقعیت جالبی فاجعه انگیز است از طرفی دیگر امیر هم به عنوان یک جوان حزب الهی و رزمنده نمی تواند متقاعد کننده باشد فیلمساز فقط او را ولایت مدار نشان می دهد و کمی هم بی سواد چون نمی تواند با منصور وارد بحث شود امیر با سلاحش منصور را هدف می گیرد تا چیزی درباره رهبری نشوند، به هیچ وجه نمی شود آرمان و ایدئولوژی منصور و امیر را درک کنیم چرا که در پس دیالوگ ها نه آرمانی دیده می شود و نه ایدئولوژی ! نکته ای که در فیلم خودنمایی می کند فقط بغض فیلمساز از یک بحران است، که ندانسته چگونه و از چه راهی بیانش کند، امیر یوسفی دنیای فیلمش را فانتزی کرده است که از واقعیت فرار کند ، با شبکه های ماهواره ای شوخی کرده است که بگوید طرفدار هیچ فرقه و آئینی نیست اما جرات نزدیک شدن به واقعیت ر نداشتنه، امیریوسفی از روزهای بحرانی سال هشتاد و هشت فقط توانسته مخفی شدن سبزه را در حیاط خانه منیر خانم نشان بدهد که این منفعل بودن فیلمساز را نشان می دهد اینکه فیلمساز از آن روزها فقط سطل آشغال آتش گرفته یا رفلکس آتش در شیشه ی مغازه نشان می دهد به شدت شعاری ست، در این

این جهان بینی روایی که برپایه گفتمان ایده ها شکل می گیرد متضمن نگاهی است که تلاش دارد تا از دل انتهابات و تنش ها، گل دوستی ها و آرامش را بجیند. چنین طرز تفکری به ویژه با توجه به آن نگاه تا حدودی هجوگونه و کمی تا حدودی کاریکاتوری نسبت به تنش های سال ۸۸ و گفت و گویی که میان منیر و آدم های درون عکس و تلویزیون شکل می گیرد این فضا را به خوبی می پرورد و ایده مرکزی روایت فیلم و نقطه ثقل آن را شکل می دهد. اینکه منیر با کمک جهان خیالی و ذهنیت سورئالی که از ارتباط گیری با قاب عکس ها برای خود پدید می آورد در تلاش برای پاکسازی از منزل خود از هر چیز مشکوک است در وهله اول خمیرمایه ای چندان جذاب برای انتقال پیام اصلی فیلم به مخاطب به شمار نمی آید اما بازی درخشان بازیگران به واقع کمک موثری در کشاندن مخاطب تا انتهای فیلم است.

منیر در پی پناه دادن به بخشی از معترضان حوادث ۸۸

صبح ساحل، هنری  
شنبه ۴ اسفند ۱۹۷سال سی و چهارم | شماره ۳۷۱۲  
Email : Info.Sobhesahel@Gmail.Com

و پس از رفتن آنها با ضربدری حک شده روی درب خانه خود مواجه می شود و در پی صحبت با یکی از همسایه ها متوجه این نکته می شود که ممکن است فردا ماموران به خانه وی مراجعه کنند.

این نقطه عطف اولیه روایت به خوبی بازتابنده ای از درون پرتشویش و استرس زده زنی تنها در شهری شلوغ و در دل موقعیتی ملتهب است. ورود ناخواسته منیر به متن این التهاب و تاکید مکرر وی بر شنود تلفنی و نیز همراهی وی با ۴ قاب عکس و صحبت با آنها برای شناسایی محل اختفای چیزهایی که ممکن است در مراجعه فردای ماموران برای وی دردسرساز شود سبب کشف حقایقی درباره زندگی نفرت آن ۴ قاب عکس می شود. یزدانبخش در بازتاب آلام و احساسات یک زن تنها بسیار موفق است. به ویژه آنجا که در عملیات کشف چیزهای ممنوعه در منزلش به عکس هایی از منصور برادر مرحومش با سیمار(دخترخاله منصور و منیر) روبرو می شود و به همراه عکس ها به حیاط می رود و اشک می ریزد. یا هنگامی که در اتاق فرزند شهیدش نامه ای را می یابد که حاکی از عواطف و احساس وی در دوران قبل از اعزام به جبهه است و در اینجا نیز منیر قطره ای اشک بر گونه اش جاری می شود. دیگر بازیگران فیلم هم کار خود را به خوبی انجام می دهند. البته هدیه تهرانی در نمایش یک زن کنشگر معترض چندان موفق نیست و بیشتر کاریکاتوری از رفتارهای اعتراضی را نمایش می دهد. حبیب رضایی در یک نقش آفرینی مناسب ویژگی های رامین پسر شوخ و رهای میانسال منیر را هم در گفت و گوی تصویری اینترنتی در ابتدای فیلم بازتاب می دهد و هم از دل قاب عکسی که مربوط به دوران فارغ التحصیلی اش است این رهایی و طنزایی را به رخ می کشد.

شهاب حسینی هم در نمایش روحیات یک مبارز چپ انقلابی به توفیقی مناسب می رسد به ویژه در سکانس نجوای سرود انقلاب با دیگر قاب عکس ها، این روحیه مبارز را بازتابی موثر می دهد.

صابر ابر به خوبی تصویر یک جوان تند حزب الهی را در فیلم به نمایش می گذارد. جدل گفتمانی ای که با دالی اش منصور به دلیل همان تفکرات چپ دارد و تاکید مکرری که بر موفقه های ارزشی دارد بر تنور تنش های گفتمانی می دمد.

اکبر عبدی هم به مانند همیشه یک نقش آفرینی برجسته را در قاعده هوسان سازی تیپ و شخصیت به اجرا می رساند. به ویژه غیبتی که برای منیر به خرج می دهد، طنز کلامی که برای دست انداختن منصور به کار می برد یا تکه کنایه هایی که به رامین میزند و البته سکانسی که قرار است فرزند شهیدش را دعوا کند تا دل منصور نرم شود و جای اسلحه را لو بدهد با چنان ظرافتی از سوی عبدی اجرا می شود که مخاطب را درگیر آن لحظه ها می کند.

محسن امیریوسفی با ساخت آشغال های دوست داشتنی به رسالت آگاهی بخش یک سینماگر و تعهدی که به جامعه دارد به خوبی جامه عمل می پوشاند و نشان می دهد که می توان با سینما بر دوستی ها افزود و از تنش ها کاست. ولو جهان روایی فیلم به سورئال و فراواقعیت ها پهلو بزند و در فرآیندی از توهم، تخیل و واقعگرایی حرکت کند.آشغال های دوست داشتنی از معدود فیلم های سینمای ایران است که بی آنکه خود التهاب را نمایش دهد بازتابی درست را از تنش ها و استرس ها و نیز حواشی آن به معرض نمایش می گذارد و ایده خلق دوستی از دل تنش و برقراری گفتمان و ایجاد همدلی در متنی از سوءتفاهم ها و ناهمراهی را مطرح می سازد.

## جدول خطی

| ب | ا | ج | ن | ک | پ | ه | م | ا | ن | م | ا |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ن | خ | ر | ا | ن | ا | ی | ر | و | ب | ی | ی |
| ی | ر | ا | ب | ک | ه | ر | ه | ا | ق | ک | ر |
| ک | ن | ا | ر | ن | ا | ج | م | ه | ی | ک | و |
| و | ی | و | ک | س | ا | ر | ر | ف | ی | ی | ا |
| ز | ا | د | ا | ا | ت | ک | ت | ت | س | ه | ن |
| ی | م | ل | و | و | د | س | و | ا | ا | م | م |
| ا | ی | ا | ر | ح | ل | م | ت | و | ا | ا | ت |
| ن | ب | ش | ی | ب | ه | ف | ا | پ | ن | ا | ا |
| د | و | ا | ا | ا | ل | ن | و | ی | ی | س | س |
| ن | ر | ر | ک | ی | ا | ت | ل | پ | ا | ن | ل |
| ل | ط | ت | س | و | ه | ه | ر | ا | ن | و |   |

طراح: مهدی سنگی